



Providing a Comprehensive Model of Electronic Tax Receipt to Reduce Tax Evasion with the ISM Approach

Khadijeh Rabiee^{1*}, Mehdi Fazeli², Aeen Ahmadi³

1. Assistant Professor, Department of Accounting, Payam Noor University, Tehran, Iran.

2. Instructor Professor, Department of Accounting, Payam Noor University, Tehran, Iran. (fazeli@pnu.ac.ir).

3. Ph.D. Student, Department of Accounting, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. (aeen_ahmadi@yahoo.com)

Corresponding Author:

Khadija Rabiei

Email: k.rabiee@pnu.ac.ir

Received: 2023/10/19

Accepted: 2024/03/14

How to Cite:

Rabiee, Kh; Fazeli, M; Ahmadi, A; (2024). Providing a Comprehensive Model of Electronic Tax Receipt to Reduce Tax Evasion with the ISM Approach, *Governmental Accounting*, 10 (20), 227-244.

ABSTRACT

Subject and Objective: In the tax system, the need for a comprehensive electronic tax collection model that can minimize tax evasion is felt. Therefore, this research was implemented with the aim of providing a comprehensive model of electronic tax collection to reduce tax evasion with the ISM approach.

Research Method: This research is exploratory-applied. Research information was collected by interviewing 15 tax experts. The collected data were analyzed using Interpretive Structural Modeling (ISM).

Research Findings: The findings showed that the reduction of tax evasion is the most effective factor in the exploratory model. In three levels, respectively, factors of financial and transactional sanctions for tax violators and electronic tax education, factors of intelligent detection of taxable income of natural and legal persons, creating transparency by creating comprehensive information systems and using artificial intelligence and big data in calculations, factors of dedicated network Receiving and paying taxes, connecting and communicating with the administrative and executive system of the country and integrating the financial and banking systems in the whole country.

Conclusion, Originality and its Contribution to Knowledge: the results showed financial and transactional sanctions for tax violators, electronic tax training, intelligent detection of taxable income of natural and legal persons, creating transparency by creating comprehensive information systems and using artificial intelligence and big data in Calculations, dedicated tax collection and payment network, connection and communication with the administrative and executive system of the country and integration of financial and banking systems in the whole country with mutual effects lead to the reduction of tax evasion.

Keywords: Tax Evasion, Electronic Tax System, Electronic Tax.

JEL Classification: H25, H26, K34.



ارائه مدل جامع دریافت مالیات الکترونیکی جهت کاهش فرار مالیاتی با رویکرد ISM

خدیدجه ربیعی^{۱*}، مهدی فاضلی^۲، آیین احمدی خوشابری^۳

چکیده

موضوع و هدف مقاله: در سیستم مالیاتی نیاز به یک مدل جامع دریافت مالیات الکترونیکی که قادر باشد فرار مالیاتی را به حداقل برساند، احساس می‌شود. بنابراین این پژوهش با هدف ارائه مدل جامع دریافت مالیات الکترونیکی برای کاهش فرار مالیاتی با رویکرد ISM اجرایی شد.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع اکتشافی-کاربردی است. اطلاعات پژوهش با مصاحبه از بین ۱۵ نفر از خبرگان مالیاتی، گردآوری شد. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های نشان داد در مدل اکتشافی کاهش فرار مالیاتی به عنوان تأثیرپذیرترین عامل است. در سه سطح به ترتیب عوامل تحریم‌های مالی و معاملاتی برای متخلفان مالیاتی و آموزش مالیاتی الکترونیک، عوامل تشخیص هوشمند درآمد مشمول مالیات افراد حقیقی و حقوقی، ایجاد شفافیت با ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی جامع و استفاده از هوش مصنوعی و بیگ دیتا در محاسبات، عوامل شبکه اختصاصی دریافت و پرداخت مالیات، اتصال و ارتباط به سیستم اداری و اجرایی کشور و یکپارچه‌سازی سیستم‌های مالی و بانکی در کل کشور قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری، اصالت و افزوده آن به دانش: نتایج نشان داد تحریم‌های مالی و معاملاتی برای متخلفان مالیاتی، آموزش مالیاتی الکترونیک، تشخیص هوشمند درآمد مشمول مالیات افراد حقیقی و حقوقی، ایجاد شفافیت با ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی جامع و استفاده از هوش مصنوعی و بیگ دیتا در محاسبات، شبکه اختصاصی دریافت و پرداخت مالیات، اتصال و ارتباط به سیستم اداری و اجرایی کشور و یکپارچه‌سازی سیستم‌های مالی و بانکی در کل کشور با تاثیرات متقابل منجر به کاهش فرار مالیاتی می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: فرار مالیاتی، سیستم مالیات الکترونیکی، مالیات الکترونیکی.

طبقه‌بندی موضوعی: H25، H26، K34.

۱. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. مربی، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (fazeli@pnu.ac.ir).
۳. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. (aeen_ahmadi@yahoo.com).

نویسنده مسئول:

خدیدجه ربیعی

رایانامه:

k.rabee@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴

استناد به مقاله:

ربیعی، خدیدجه؛ فاضلی، مهدی؛ احمدی خوشابری، آیین، (۱۴۰۳)، ارائه مدل جامع دریافت مالیات الکترونیکی جهت کاهش فرار مالیاتی با رویکرد ISM، دو فصلنامه علمی حسابداری دولتی، ۱۰ (۲۰)، ۲۲۸-۲۴۴.



حقوق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. © ۱۴۰۳. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.

Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives 4.0 International License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)<https://gaa.journals.pnu.ac.ir/>

مقدمه

کانال‌های پرداخت الکترونیکی باشد. البته، تشویق معاملات بدون پول و ترویج استفاده از بانک الکترونیکی یک تلاش جامع است که نیاز به مشارکت چندین سازمان دولتی دارد (سونگ و همکاران^۳، ۲۰۱۷). نقش و اثرات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مالیات الکترونیک به حدی است که از یک طرف مؤدیان برای دریافت خدمات سریع‌تر، بهتر و مناسب‌تر به ارائه‌دهندگان خدمات مالی فشار می‌آورند و از طرف دیگر، اینترنت موانع ورود این به صنعت را کاهش می‌دهد و واسطه‌های مالی بر خط جدید امکان برقراری ارتباط با مؤدیان و مشتریان را فراهم می‌آورند و راهکارهایی ارائه می‌دهند که می‌تواند نیاز مراجعان را بهتر برآورده کند. ادارات و سازمان‌های مالی و مالیاتی از طریق سامانه‌های محیط مجازی امکان ارائه خدمات مالی از طریق اینترنت را فراهم می‌آورند، بدون اینکه نیازی به فعالیت‌های سنتی باشد. بسیاری از اقتصاددان‌های مالیه عمومی بر این عقیده‌اند که باید سه معیار عمومی کارایی، عدالت و هزینه‌های اجرایی را به منظور ارزیابی یک نظام مالیاتی به کار برد. کارایی اقتصادی یک هدف عینی که است در نظر دارد فشار اضافی را به حداقل برساند. فشار اضافی میزان انحراف در رفتار هریک از تولیدکنندگان یا مصرف‌کنندگان را برحسب تغییرات در عرضه یا تقاضای بازار، اندازه‌گیری می‌کند. همچنین فشار مالیاتی انگیزه استخدام کردن افراد را در تمامی مشاغل که وارد می‌شوند را تا وضعیت خودشان را بهبود بخشند، کاهش می‌دهد. نظیر کارهای پرزحمت، کسب آموزش و تحصیل، ایجاد تولیدات جدید راه‌هایی و برای کسب و کار و نظایر آن (معصومی و یوسفی، ۱۳۹۳). این پژوهش به دنبال ارائه یک مدل جامع برای دریافت مالیات الکترونیکی است که بتواند به کاهش فرار مالیاتی کمک کند. این مدل شامل ابزارها، سیاست‌ها و فرآیندهایی است که با استفاده از فناوری‌های روز و اطلاعات دقیق و قابل اعتماد، امکان پیگیری و جمع‌آوری مالیات‌های الکترونیکی را فراهم می‌کند. این مدل باید قابلیت پیگیری و شناسایی فعالیت‌های مالیاتی غیر قانونی را داشته باشد و به نهادهای مالیاتی امکان بدهد تا به صورت شفاف و کارآمد مالیات‌ها را تحصیل کند و فرار مالیاتی را کاهش دهد. بنابراین شکاف پژوهشی حاضر، وجود چنین مدلی در ادبیات پژوهش است که ضرورت بررسی بیشتر را نشان می‌دهد.

کسب و کارها بیشتر برای به حداقل رساندن پرداخت مالیات خود درگیر فرآیندهای عملیاتی و معاملاتی مالی هستند و از این طریق درآمد خود را پس از پرداخت مالیات افزایش می‌دهند (بام-آلدرد و همکاران^۴، ۲۰۱۳؛ گایا و همکاران^۳، ۲۰۱۷). اگرچه

در تمامی کشورها بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق دریافت مالیات تأمین می‌شود. البته سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها متفاوت بوده و میزان آن بستگی به سطح توسعه و ساختار اقتصادی آنها دارد. اگر چه فرار مالیاتی حتی در کشورهای دارای یک نظام مالیاتی به طور کامل توسعه یافته نیز مشاهده می‌شود، ولی این مسئله برای کشورهای در حال گذار و آن دسته از کشورهایی که از نظام‌های قدیمی جمع‌آوری مالیات استفاده می‌کنند، بحرانی‌تر است. فرار مالیاتی مسئله‌ای است که از چند جهت می‌تواند بر اقتصاد اثرگذار باشد. نخست اینکه، توانایی دولت را در جمع‌آوری مالیات و برآوردن نیازهای بودجه‌ای کاهش می‌دهد. در واقع، فرار مالیاتی با کاهش درآمدهای مالیاتی، توزیع بار مالیاتی را تحت تأثیر قرار داده و می‌تواند از طریق محدود کردن گزینه‌های مورد انتخاب دولت، سیاست مالی را با مشکل روبه‌رو سازد. دوم اینکه، فرار مالیاتی می‌تواند یک سری تبعات منفی دیگری نیز برای اقتصاد به دنبال داشته باشد. برای مثال، تحمیل بار بر بودجه دولت، با مشکل روبه‌رو ساختن تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، توزیع ناعادلانه ثروت و تأثیر منفی بر پس‌انداز و انباشت سرمایه بخش خصوصی همراه است. در این خصوص سلمورد^۱ (۲۰۰۷)، معتقد است که فرار مالیاتی منجر به افزایش مالیات تحریفی شده و از این رو با بزرگ‌تر نمودن اقتصاد زیرزمینی، منابع را به سمت فعالیت‌های غیر تولیدی سوق داده، بنابراین مانعی برای رشد اقتصادی به شمار می‌آید (سلمورد، ۲۰۰۷). در نهایت، فرار مالیاتی می‌تواند بر اثربخشی سیاست‌های اقتصادی نیز اثرگذار باشد، زیرا این‌گونه سیاست‌ها بر اساس شاخص‌های رسمی (همانند بیکاری، تعداد نیروی کار رسمی، درآمد، مصرف) صورت می‌پذیرد و این در حالی است که وجود اقتصاد زیرزمینی سیاست‌مداران را با مشکل روبه‌رو ساخته و منجر به این می‌شود که سیاست اقتصادی درست و مناسبی اعمال نشود. پساگر بتوان عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی را شناسایی کرد، آنگاه سیاست‌گذاران به راحتی می‌توانند سیاست‌های مناسب در جهت حداقل نمودن هزینه‌های فرار مالیاتی را به کار گیرند (هادیان و تحویلی، ۱۳۹۲).

بسیاری از کشورها تلاش‌های زیادی را برای تشویق انجام معاملات و فروش با استفاده از سیستم‌های پرداخت الکترونیکی و جلوگیری از انجام معاملات نقدی را تا حد امکان دارند. اتخاذ تدابیر مالیاتی سیاستی و اداری باید دارای انگیزه لازم برای استفاده از پرداخت‌های رسمی برای معاملات تجاری از طریق

فرار مالیاتی بررسی کرد و استدلال کرد که تغییرات در فناوری باعث افزایش جریان اطلاعات به دولت ها می‌شود. بنابراین، توانایی دولت ها برای کاهش فرار مالیاتی بهبود خواهد یافت. اما او همچنین اشاره کرد که برخی افراد یا شرکت‌ها ممکن است راه‌های جدیدی برای فرار یا اجتناب از مالیات با توسعه فناوری پیدا کنند. شرکت‌های دارای فناوری اطلاعات با کیفیت بالا می‌توانند از پرداخت مالیات بیشتر اجتناب کنند و در عین حال ریسک مالیاتی کمتری را نسبت به سایرین متحمل شوند. کیتسیوس و همکاران^۹ (۲۰۲۲) دریافت که الکترونیکی شدن با افزایش جمع آوری و پردازش اطلاعات توسط دولت ها، تقلب مالیاتی را کاهش می‌دهد. عطایه و آشاتر^{۱۰} (۲۰۲۱) اظهار داشتند که مقامات مالیاتی می‌وانند موارد عدم انطباق و معاملات مشکوک را با استفاده از فناوری های پیشرفته برای کاهش خطر فرار مالیاتی شناسایی کنند. از سوی دیگر الکترونیکی شدن ممکن است فرصت‌های فرار مالیاتی جدیدی را برای افراد یا شرکت‌ها با کمک به آنها برای پنهان کردن اطلاعات حساس فراهم کند. با پیشرفت‌های تکنولوژیکی، تکنیک های جدیدی برای شناسایی فرار مالیاتی مانند تکنیک‌های داده کاوی، شبکه‌های عصبی آغاز شده است. مقامات مالیاتی از فناوری‌های نوظهور مانند داده‌های بزرگ، هوش مصنوعی و بلاکچین نیز برای کاهش فرار مالیاتی استفاده می‌کنند (یامین و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۳).

با توجه به رشد روزافزون فعالیت‌های اقتصادی در فضای دیجیتال و الکترونیکی، نیاز به روش‌ها و سیستم‌های مالیاتی جدید و کارآمد برای جمع‌آوری مالیات افزایش یافته است. با توجه به اینکه فرار مالیاتی یکی از مشکلات اساسی در حوزه مالیات است و تأثیر بسزایی بر عدالت مالیاتی و درآمدهای دولت دارد، ارائه یک مدل جامع برای دریافت مالیات الکترونیکی که به کاهش فرار مالیاتی کمک کند، امری ضروری و حیاتی است. این مدل باید قابلیت پوشش دادن تمام جنبه‌های فعالیت‌های مالیاتی در فضای الکترونیکی را داشته باشد و به دولت امکان دهد تا با استفاده از فناوری‌های روز و اطلاعات دقیق، مالیات‌ها را به صورت شفاف و کارآمد تحصیل کند. بنابراین، حل این مسئله نقش بسیار مهمی در بهبود سامانه مالیاتی کشورها و کاهش فرار مالیاتی دارد و تلاش برای ارائه یک مدل جامع و کارآمد در این زمینه، از اهمیت بسزایی برخوردار است. یکی از دلایل فاصله داشتن سطح تحقق یافته مالیات از سطح واقعی

حسابداران مالیاتی معمولاً از روش‌های قانونی برای کاهش یا اجتناب از انجام تعهدات مالیاتی شرکت‌ها استفاده می‌کنند، اما گاهی اوقات آنها چارچوب قانونی و استانداردهای اخلاقی را نقض می‌کنند. فرار مالیاتی شامل اقدامات غیرقانونی عمدی است که توسط کسب و کارها برای کاهش پرداخت مالیات و تعهداتشان، از طریق گزارش ندادن ثروت، درآمد یا فروش؛ معافیت و کسورات بیش از حد یا عدم گزارش دارایی‌های مالی، انجام می‌شود (الم و تورگلر^۱، ۲۰۱۱؛ خلیف و آچک^۲، ۲۰۱۵). اقدامات فرار مالیاتی پیامدهای منفی اجتماعی و اقتصادی دارد (کولبرگ و باجده^۳، ۲۰۱۴). از آنجا که مالیات بر درآمد مکانیسم لازم برای دستیابی به ظرفیت مالی، زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات عمومی و اجتماعی برای دولت‌های کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است. مقامات مالیاتی در سراسر جهان تلاش‌های خود را برای مبارزه با فرار مالیاتی افزایش داده‌اند. درک عوامل اساسی مؤثر بر فرار مالیاتی برای دولت‌ها و سیاست‌گذاران به منظور طراحی و اجرای سیاست‌های کاهش اثرات مخرب فرار مالیاتی ضروری است (اتوود و همکاران^۴، ۲۰۱۲؛ سیگل و همکاران^۵، ۲۰۱۸). نظریه‌سازمانی رویکرد سودمندی را برای درک این مسئله فراهم می‌سازد که چرا سطح فرار مالیاتی در بین کشورهای مختلف، متفاوت است. طبق این نظریه، محیط سازمانی یکی از مهم‌ترین عوامل در تفاوت‌های موجود در تمکین مالیاتی در بین کشورها است. به عنوان مثال مؤسسه‌ای که سیستم‌های مالی با کیفیت بالاتری دارند می‌توانند تمکین مالیاتی را از طریق قوانین مالیاتی تقویت کنند. جالب این است که مطالعات کمی به بررسی فرار مالیاتی در یک زمینه‌سازمانی پرداخته‌اند (بنکریم و همکاران^۶، ۲۰۲۱). به طور کلی، ادبیات مربوط به استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در زمینه مالیات به طور انحصاری بر دیجیتالی کردن رویه‌های مالیاتی تمرکز می‌کند و از این استدلال حمایت می‌کند که سطح انطباق در مالیات با ساده‌سازی رویه‌های مالیاتی، سیستم‌های تشکیل پرونده مالیاتی و پرداخت مالیات از طریق خدمات الکترونیکی بهبود می‌یابد. عنوان می‌شود که یک سیستم الکترونیکی مالیاتی کارآمد می‌تواند یک چارچوب تنظیمی فشرده و مبانی نهادی را برای کاهش فرار مالیاتی فراهم کند (ویار و همکاران^۷، ۲۰۲۱).

اثرات الکترونیکی شدن بر فرار مالیاتی موضوعی رایج در ادبیات پژوهشی است. الم^۸ (۲۰۲۱) اثرات دیجیتالی شدن را بر

7. Uyar et al
8. Alm
9. Kitsios et al
10. Atayah and Alshater
11. Yamen et al

1. Alm and Torgler
2. Khlif and Achek
3. Culiberg and Bajde
4. Atwood et al
5. Siglé et al
6. Benkraiem et al

مالیاتی کمتر می‌شود؟ (اویار و همکاران^۲، ۲۰۲۱). در دهه‌های اخیر، مقامات مالیاتی استراتژی‌های خود را تغییر داده‌اند تا شامل اقدامات و رویه‌هایی باشد که بتواند بر رفتار فرار مالیاتی تأثیر بگذارد، مانند تعدیل نرخ‌های مالیاتی، افزایش ساختار سلسله مراتب مالیاتی و ارائه معافیت‌های مالیاتی و یارانه‌ها به افراد و شرکت‌ها (کانتابل و گراسی^۳، ۲۰۱۹). طرح‌های مالیاتی اعتباری پژوهش و توسعه، حقوق مالکیت معنوی به عنوان مشوق‌ها و سایر نوآوری‌ها از جمله رایج‌ترین معافیت‌ها و یارانه‌هایی هستند که دولت به شرکت‌ها برای افزایش ظرفیت نوآوری‌شان ارائه می‌کند (فینلی و همکاران^۴، ۲۰۱۴؛ لاپلانت و همکاران^۵، ۲۰۱۹). مطالعات قبلی سعی کردند به این سوال دیرینه بپردازند- رابطه بین مالیات و نوآوری چیست؟ با این حال، ارتباط بین نوآوری و فرار مالیاتی ناشناخته باقی مانده است. با توجه به مطلب عنوان شده یک شکاف پژوهشی عمیق وجود دارد. یکی از مسائل مهم مقامات مالیاتی در سال‌های اخیر استفاده از مکانیسم‌های بازدارنده به عنوان راهبردهای جلوگیری از فرار مالیات است. با پیشرفت فناوری اطلاعاتی و ارتباطی در سال‌های اخیر اخذ مالیات وارد عرصه نوینی شده است. استفاده از ابزارهای نوآورانه برای شفافیت مالیاتی در کسب کارهای مختلف و ایجاد یک سیستم اطلاعاتی یکپارچه مالیاتی که در اختیار همگان قرار دارد می‌توان بسیاری از مسائله مربوط به فرار مالیاتی در کشورهای در حال توسعه را حل کند (اویار و همکاران^۶، ۲۰۲۱).

استفاده از سیستم‌های الکترونیکی و فناوری‌های نوین در اداره مالیات، به‌ویژه در امور مالیاتی، تأثیر گذاشته است. سیستم مالیات الکترونیک امکان یکسان‌سازی و به کارگیری اصول و ارکان صورتحساب‌های صادر شده توسط کلیه مودیان را فراهم می‌کند و خطرات ساماندهی صورتحساب‌های سنتی و مفقود شدن یا آسیب دیدن آنها را از بین می‌برد. همچنین خطرات ناشی از انتقال دفاتر فاکتورها و صورت‌های مالی از شرکت‌ها به دفاتر حسابرسی مالیاتی را رفع می‌کند. سیستم دریافت مالیات الکترونیکی دسترسی سریع به خدمات مالیاتی، تکمیل مراحل حسابرسی مالیاتی مودیان، گرفتن ترخیص مالیاتی و یکسان‌سازی مبانی ساماندهی و صدور صورتحساب در بخش‌های اقتصادی که به افشا و شفافیت این بخش‌ها کمک می‌کند را فراهم می‌سازد (المنصیر و همکاران^۷، ۲۰۲۳). پیشرفت‌های تکنولوژیکی و دیجیتالی‌سازی با بهبود سرعت،

آن، وجود پدیده فرار مالیاتی است. فرار مالیاتی جزء اصلی فعالیت‌های زیر زمینی یا بخش نامنظم اقتصاد بوده و اقتصاددانان بیش از پیش به دنبال تجزیه و تحلیل این پدیده هستند. اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در زمینه جرم و جنایت، اقتصاد زیرزمینی با فرار مالیاتی یکی در نظر گرفته شده است. یکی از مسائل نوین در کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران بکارگیری سیستم‌های الکترونیکی دریافت مالیات جهت جلوگیری از فرار مالیاتی و افزایش درآمدهای مالیاتی است. بنابراین در این پژوهش به ارائه مدل جامع دریافت مالیات الکترونیکی جهت کاهش فرار مالیاتی با رویکرد ISM پرداخته شد. یکی از نوآوری‌های این پژوهش را می‌توان ارائه مدلی جامع مبتنی بر فناوری و تکنوژی‌های جدید دانست که می‌تواند در بستر سیستم‌های مالیاتی فرار مالیاتی را به صورت هوشمند کاهش دهد. با توجه به این نکات، نوآوری در ارائه مدل جامع دریافت مالیات الکترونیکی می‌تواند به کاهش فرار مالیاتی و بهبود عملکرد سامانه مالیاتی کشور کمک کند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در چند دهه اخیر، دولت‌ها در سراسر جهان از بخش خصوصی در استفاده از اینترنت برای ارتباط با شهروندان خود پیروی کرده‌اند، زیرا متوجه شده‌اند که فناوری‌های اینترنتی به عنوان یک نوآوری می‌توانند خدمات دولتی را ساده‌سازی کرده و کارایی آن‌ها را افزایش دهند. بنابراین، بسیاری از دولت‌ها سیستم‌های دولت الکترونیک ملی را برای مقابله پویاتر با تقاضای رو به رشد شهروندان و مشاغل برای خدمات مؤثر دولتی معرفی کرده‌اند. به گفته بونابات^۱ (۲۰۱۷)، در واکنش به سرعت سریع جهانی شدن، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و انقلاب دانش، دولت‌هایی با چشم‌انداز و چشم‌انداز بلندمدت به اجرای شیوه‌های دولت الکترونیک پرداختند. با توجه به شناخت روزافزون اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات برای حکمرانی، این پرسش‌ها مطرح می‌شود: با توجه به این استدلال که دیجیتالی شدن خدمات دولتی کارایی دولت را افزایش می‌دهد آیا طرح‌های دولت الکترونیک به کاهش فرار مالیاتی کمک می‌کند؟ افزون بر این، اگر پذیرش فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط جامعه و شهروندان تقویت می‌شود آیا رابطه بین دیجیتالی شدن خدمات دولتی و فرار

5. Laplante et al

6. Uyar et al

7. El-Manaseer et al

1. Bounabat

2. Uyar et al

3. Cantabene and Grassi

4. Finley et al

کنترل درون زایی و دوره های زمانی مختلف (قبل، حین و بعد از بحران مالی جهانی اخیر) همچنان برقرار است. به طور خاص، رفتار اخلاقی شرکت‌ها برای کشورهایی با درآمد کم و متوسط و با سطح پایین و بالایی از حمایت از سرمایه‌گذاران و با کارایی پایین هیئت مدیره‌های شرکت، موثر است، با این حال، رفتارهای اخلاقی و استانداردهای حسابداری برای کشورهای با درآمد بالا و کشورهایی با سطح متوسط حمایت از سرمایه‌گذاران و هیئت مدیره های شرکت‌هایی با کارایی متوسط و بالا، دارای اثر متقابل هستند. در ایران موسوی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان طراحی مدل بکارگیری داده‌های بزرگ در حوزه مالیات اشخاص حقیقی به منظور جلوگیری از فرار مالیاتی نشان دادند نشان داد شاخص‌هایی که برای کشف فرار مالیاتی و تقلب انجام می‌شود، مجموعه داده‌های داخلی و خارجی بزرگی شامل: مشخصات جمعیتی، مشخصات مالیات دهندگان یا شرکت‌ها، پرونده‌های قبلی، داده‌های مرکز تماس و تاریخچه حسابداری می‌باشند. فتحی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان شناسایی، یکپارچه سازی، وزن دهی و ارائه مدل مفهومی مؤلفه های موثر بر مالیات ستانی الکترونیک به روش فراترکیب- آنتروپی شانون نشان دادند پس از بررسی ۵۳ پژوهش مرتبط منتشر شده در مجلات و منابع معتبر علمی از بین حدوداً ۴۳۰ منبع اولیه‌ی تایید شده با استفاده از روش فراترکیب و استخراج کدهای باز و محتوایی، مؤلفه‌های اصلی مالیات ستانی الکترونیک مشخص شد. با استفاده از روش آنتروپی شانون مؤلفه‌ها بر اساس ضریب اهمیت رتبه بندی و سرانجام مدل مفهومی پژوهش تدوین شد. مدل مفهومی شامل ۳ متغیر اصلی است که عبارت است از: محیط کلان خارجی، محیط کلان داخلی و محیط شخصی مؤدیان. در مدل ارائه شده مهمترین مؤلفه ها که بالاترین ضریب اهمیت را در مالیات ستانی الکترونیک کسب کردند به ترتیب رتبه ویژگی های سیستم از نگاه مؤدیان، ویژگی‌های مؤدیان و عوامل تکنولوژیکی، ساختاری و سازمانی است. نوش ناب و همکاران (۱۴۰۱) به ارائه مدل پارادایمی معماری سازمانی امور مالیاتی بر پایه حاکمیت فناوری اطلاعات با روش داده بنیاد (مطالعه موردی سازمان امور مالیاتی کشور) پرداختند و در جهت ارائه مدل پارادایمی معماری سازمانی برپایه حاکمیت فناوری اطلاعات به عنوان زیرساخت هوشمندسازی امور مالیاتی کشور با شناسایی ۱۵۱ مقوله فرعی که به ۲۴ مقوله اصلی در جهت تغییرات شیوه‌ها و فرایندهای سنتی به فرایندهای مدرن در حوزه مالیات با رویکرد کاهش زمینه و بستر بروز فساد و افزایش درآمد امور مالیاتی تدوین شده است. صامتی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود نتایج نشان دادند که متغیرهای عوامل اقتصادی، درآمد سرانه، عوامل تکنولوژی، عوامل اجتماعی، عوامل قانونی، تورم، عوامل فرهنگی، محدودیت تجاری، بار مالیاتی، بیکاری و حجم دولت عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی هستند و بیشترین شدت تأثیرگذاری را عوامل فرهنگی و

کیفیت و دقت داده‌ها و تغییر روش‌های گزارش‌دهی، کنترل و حسابداری مالیات‌ها بر فرایندهای جمع‌آوری مالیات در سراسر جهان تأثیر گذاشته است. مقامات مالیاتی، سیاستگذاران، تنظیم‌کننده‌ها، حسابداران و مالیات دهندگان فرصت‌های دیجیتالی‌سازی را درک کرده‌اند و شروع به بهره‌مندی از خدمات الکترونیکی، برنامه‌های کاربردی، وبسایت‌ها، نرم‌افزارها و غیره کرده‌اند. دیجیتالی شدن ممکن است با افزایش جمع‌آوری اطلاعات و بهبود کنترل، فرار مالیاتی را کاهش دهد. دیجیتالی شدن ابزاری موثر برای کاهش رفتار فرار مالیاتی است (یامین و همکاران، ۲۰۲۳).

هایمن و استیلر (۲۰۲۴) در تحقیقی با عنوان دیجیتالی شدن و تقلب مالیاتی فرامرزی: شواهدی از صورت‌حساب الکترونیکی در ایتالیا نشان دادند با کاهش قابل توجه تقلب مالیاتی فرامرزی در پاسخ به صورت‌حساب الکترونیکی اجباری است که دلیل مهمی برای اعمال این اقدام توسط سایر کشورها ارائه شود. افزون بر این تخمین می‌زده می‌شود که صورت‌حساب الکترونیکی ضرر مالیات بر ارزش افزوده ایتالیا را در سال ۲۰۱۹ با حدود ۲٫۲ میلیارد یورو به ۲٫۶ میلیارد یورو در مقایسه با سال ۲۰۱۸ کاهش داد. در این زمینه، شکاف داده‌های تجاری را به عنوان رویکردی برای مطالعه اقدامات ضد کلاهبرداری مورد تأکید قرار می‌گیرد. یامین و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان دیجیتالی شدن و فرار مالیاتی: اثر تعدیل کننده فساد نشان دادند رابطه منفی و معنادار بین فرار مالیاتی و پذیرش دیجیتالی شدن مشاغل و افراد است که نشان می‌دهد دیجیتالی شدن به کاهش فرار مالیاتی کمک می‌کند. نتایج اضافی نشان می‌دهد که دیجیتالی شدن در کاهش فرار مالیاتی در کشورهای با فساد پایین در مقایسه با کشورهای با فساد بسیار موثر است. ثونبیات و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی خود نشان دادند که فناوری اطلاعات (چه از نظر کیفیت سیستم و چه از نظر کیفیت کاربر) ممکن است به جلوگیری از فرار مالیاتی کمک کند. همچنین نوآوری به عنوان یک واسطه ارتباط مطلوب و چشمگیری بین فناوری اطلاعات و کاهش فرار مالیاتی دارد. اویار و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که شش شاخص برای چشم انداز بلندمدت دولت‌ها و دیجیتالی شدن خدمات دولتی همگی نقش مهمی در کاهش فرار مالیاتی دارند. افزون بر آن پذیرش فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط جامعه و شهروندان به طور مثبت ارتباط بین دیجیتالی شدن خدمات دولتی را تعدیل می‌کند و فرار مالیاتی؛ یعنی دیجیتالی شدن خدمات دولتی تأثیر قوی تری در کاهش فرار مالیاتی دارد. بنکریم و همکاران (۲۰۲۱) تأثیرات دو عامل رفتار اخلاقی شرکت‌ها و استانداردهای حسابداری بر فرار مالیاتی ارائه کردند. به طور کلی، حتی اگر استانداردهای حسابداری قوی بتواند فرار مالیاتی را کاهش دهند، با این حال رفتار اخلاقی شرکت‌ها از نظر آماری تأثیر قویتری در دستیابی به این هدف دارد. این نتایج پس از

به دلایل بالا، مهم‌ترین بسترهای لازم عبارتند از: نبود فضای مناسب کسب و کار، عدم وجود سیستم نظارتی و اجرایی قوی بر شرکت‌ها، عدم وجود سیستم مدیریتی قوی و نبود اعتماد عمومی در جامعه. همچنین بر اساس نظر خبرگان مهم‌ترین راهبردهای جلوگیری از فرار مالیاتی عبارتند از: ایجاد بانک اطلاعاتی جامع برای شرکت‌ها، فرهنگ سازی مالیاتی، اصلاح قوانین مالیاتی و کاهش گستردگی معافیت‌های مالیاتی و ... همچنین مهم‌ترین پیامدهای فرار مالیاتی نیز عبارتند از: توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت در جامعه، کاهش سطح شفافیت اقتصادی و کاهش درآمدهای دولت و سطح رفاه عمومی در جامعه.

کمترین شدت تأثیرگذاری را درآمد سرانه بر فرار مالیاتی می‌گذارند. عوامل تأثیر گذار بر فرار مالیاتی به ترتیب بیشترین شدت تأثیرگذاری و ضریب همبستگی آنها عبارتند از عوامل فرهنگی، عوامل قانونی، عوامل اجتماعی و عوامل اقتصادی، حجم دولت، محدودیت تجاری، تورم، بیکاری، بار مالیاتی، عوامل تکنولوژی و درآمد سرانه. بلوری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان طراحی مدل فرار مالیاتی بر پایه مالیات بر درآمد: رویکرد نظریه داده بنیاد نشان دادند عوامل اصلی پدیده فرار مالیات بر درآمد عبارتند از: عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، عدم شفافیت اطلاعات مالی، عدم کارایی نظام مالیاتی، پیچیدگی قوانین و ... با توجه به مصاحبه‌ها، با شروع پدیده فرار مالیاتی

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

ردیف	سال و نویسنده	عنوان	نتیجه
پیشینه خارجی			
۱	هایمن و استیلر (۲۰۲۴)	دیجیتالی شدن و تقلب مالیاتی فرامیزی: شواهدی از صورت‌حساب الکترونیکی در ایتالیا	با کاهش قابل توجه تقلب مالیاتی فرامیزی در پاسخ به صورت‌حساب الکترونیکی اجباری است که دلیل مهمی برای اعمال این اقدام توسط سایر کشورها ارائه شود. علاوه بر این، ما تخمین می‌زده می‌شود که صورت‌حساب الکترونیکی ضرر مالیات بر ارزش افزوده ایتالیا را در سال ۲۰۱۹ با حدود ۲٫۲ میلیارد یورو به ۲٫۶ میلیارد یورو در مقایسه با سال ۲۰۱۸ کاهش داد. در این زمینه، شکاف داده‌های تجاری را به عنوان رویکردی برای مطالعه اقدامات ضد کلاهبرداری مورد تأکید قرار می‌گیرد.
۲	یامین و همکاران (۲۰۲۳)	دیجیتالی شدن و فرار مالیاتی: اثر تعدیل کننده فساد	رابطه منفی و معنادار بین فرار مالیاتی و پذیرش دیجیتالی شدن مشاغل و افراد است که نشان می‌دهد دیجیتالی شدن به کاهش فرار مالیاتی کمک می‌کند. نتایج اضافی نشان می‌دهد که دیجیتالی شدن در کاهش فرار مالیاتی در کشورهای با فساد پایین در مقایسه با کشورهای با فساد بسیار موثر است.
۳	ثونیبات و همکاران (۲۰۲۲)	نقش میانجی نوآوری در رابطه بین فناوری اطلاعات و کاهش فرار مالیاتی	نشان دادند که فناوری اطلاعات (چه از نظر کیفیت سیستم و چه از نظر کیفیت کاربر) ممکن است به جلوگیری از فرار مالیاتی کمک کند. همچنین نوآوری به عنوان یک واسطه ارتباط مطلوب و قابل توجهی بین فناوری اطلاعات و کاهش فرار مالیاتی دارد.
۴	اویار و همکاران (۲۰۲۱)	آیا طرح های دولت الکترونیک می تواند فرار مالیاتی را کاهش دهد؟ اثر تعدیلی ICT	نشان دادند که شش شاخص برای چشم انداز بلندمدت دولت ها و دیجیتالی شدن خدمات دولتی همگی نقش مهمی در کاهش فرار مالیاتی دارند. علاوه بر این، پذیرش فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط جامعه و شهروندان به طور مثبت ارتباط بین دیجیتالی شدن خدمات دولتی را تعدیل می‌کند و فرار مالیاتی؛ یعنی دیجیتالی شدن خدمات دولتی تأثیر قوی تری در کاهش فرار مالیاتی دارد.
۵	بنکریم و همکاران (۲۰۲۱)	تأثیرات عامل رفتار اخلاقی شرکت‌ها و استانداردهای حساسی بر فرار مالیاتی	به طور کلی، حتی اگر استانداردهای حساسی قوی بتواند فرار مالیاتی را کاهش دهند، با این حال رفتار اخلاقی شرکت‌ها از نظر آماری تأثیر قویتری در دستیابی به این هدف دارد. این نتایج پس از کنترل درون زایی و دوره های زمانی مختلف (قبل، حین و بعد از بحران مالی جهانی اخیر) همچنان برقرار است. به طور خاص، رفتار اخلاقی شرکت‌ها برای کشورهای با درآمد کم و متوسط و با سطح پایین و بالایی از حمایت از سرمایه گذاران و و با کارایی پایین هیئت مدیره های شرکت، موثر است؛ با این حال، رفتارهای اخلاقی و استانداردهای حساسی برای کشورهای با درآمد بالا و کشورهای با سطح متوسط حمایت از سرمایه گذاران و هیئت مدیره های شرکت‌هایی با کارایی متوسط و بالا، دارای اثر متقابل هستند.
پیشینه داخلی			
۶	موسوی و همکاران (۱۴۰۲)	طراحی مدل بکارگیری داده‌های بزرگ در حوزه مالیات اشخاص حقیقی به منظور جلوگیری از فرار مالیاتی	نشان دادند نشان داد شاخص‌هایی که برای کشف فرار مالیاتی و تقلب انجام می‌شود، مجموعه داده‌های داخلی و خارجی بزرگی شامل: مشخصات جمعیتی، مشخصات مالیات دهندگان یا شرکت‌ها، پرونده‌های قبلی، داده‌های مرکز تماس و تاریخچه حساسی می‌باشند.

ردیف	سال و نویسنده	عنوان	نتیجه
۷	فتحی و همکاران (۱۴۰۲)	فتحی و شناسایی، یکپارچه سازی، وزن دهی و ارائه مدل مفهومی مؤلفه های موثر بر مالیات ستانی الکترونیک به روش فراترکیب-آنتروپی شانون همکاران (۱۴۰۲)	پس از بررسی ۵۳ پژوهش مرتبط منتشر شده در مجلات و منابع معتبر علمی از بین حدوداً ۴۳۰ منبع اولیه‌ی تایید شده با استفاده از روش فراترکیب و استخراج کدهای باز و محتوایی، مؤلفه‌های اصلی مالیات ستانی الکترونیک مشخص شد. با استفاده از روش آنتروپی شانون مؤلفه ها بر اساس ضریب اهمیت رتبه بندی و نهایتاً مدل مفهومی پژوهش تدوین گردید. مدل مفهومی شامل ۳ متغیر اصلی است که عبارت است از: محیط کلان خارجی، محیط کلان داخلی و محیط شخصی مؤدیان. در مدل ارائه شده مهمترین مؤلفه ها که بالاترین ضریب اهمیت را در مالیات ستانی الکترونیک کسب نمودند بترتیب رتبه ویژگی های سیستم از نگاه مؤدیان، ویژگی‌های مؤدیان و عوامل تکنولوژیکی، ساختاری و سازمانی است.
۸	نوش ناب و همکاران (۱۴۰۱)	ارائه مدل پارادایمی معماری سازمانی امور مالیاتی بر پایه حاکمیت فناوری اطلاعات با روش داده بنیاد (مطالعه موردی سازمان امور مالیاتی کشور)	در جهت ارائه مدل پارادایمی معماری سازمانی برای پایه حاکمیت فناوری اطلاعات به عنوان زیرساخت هوشمندسازی امور مالیاتی کشور با شناسایی ۱۵۱ مقوله فرعی که به ۲۴ مقوله اصلی در جهت تغییرات شیوه‌ها و فرایندهای سنتی به فرایندهای مدرن در حوزه مالیات با رویکرد کاهش زمینه و بستر بروز فساد و افزایش درآمد امور مالیاتی تدوین گردیده است.
۹	صامتی و همکاران (۱۴۰۰)	تعیین عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی با استفاده از روش فرا تحلیل	نتایج نشان داد که متغیرهای عوامل اقتصادی، درآمد سرانه، عوامل تکنولوژی، عوامل اجتماعی، عوامل قانونی، تورم، عوامل فرهنگی، محدودیت تجاری، بار مالیاتی، بیکاری و حجم دولت عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی می‌باشند و بیشترین شدت تأثیرگذاری را عوامل فرهنگی و کمترین شدت تأثیرگذاری را درآمد سرانه بر فرار مالیاتی می‌گذارند. عوامل تأثیر گذار بر فرار مالیاتی به ترتیب بیشترین شدت تأثیرگذاری و ضریب همبستگی آنها عبارتند از عوامل فرهنگی، عوامل قانونی، عوامل اجتماعی و عوامل اقتصادی، حجم دولت، محدودیت تجاری، تورم، بیکاری، بار مالیاتی، عوامل تکنولوژی و درآمد سرانه.
۱۰	بلوری و همکاران (۱۳۹۹)	طراحی مدل فرار مالیاتی بر پایه مالیات بر درآمد، رویکرد نظریه داده بنیاد	عوامل اصلی پدیده فرار مالیات بر درآمد عبارتند از: عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، عدم شفافیت اطلاعات مالی، عدم کارایی نظام مالیاتی، پیچیدگی قوانین و... با توجه به مصاحبه‌ها، با شروع پدیده فرار مالیاتی به دلایل فوق، مهم ترین بسترهای لازم عبارتند از: نبود فضای مناسب کسب و کار، عدم وجود سیستم نظارتی و اجرایی قوی بر شرکت‌ها، عدم وجود سیستم مدیریتی قوی و نبود اعتماد عمومی در جامعه. همچنین بر اساس نظر خبرگان مهمترین راهبردهای جلوگیری از فرار مالیاتی عبارتند از: ایجاد بانک اطلاعاتی جامع برای شرکت ها، فرهنگ سازی مالیاتی، اصلاح قوانین مالیاتی و کاهش گستردگی معافیت‌های مالیاتی و... همچنین مهمترین پیامدهای فرار مالیاتی نیز عبارتند از: توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت در جامعه، کاهش سطح شفافیت اقتصادی و کاهش درآمدهای دولت و سطح رفاه عمومی در جامعه.

پرسش‌های پژوهش

۳. مدل جامع در جهت دریافت مالیات الکترونیکی به

منظور کاهش فرار مالیاتی چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر پرداختن به مدل جامع دریافت مالیات الکترونیکی به منظور کاهش فرار مالیاتی در ایران، یک پژوهش اکتشافی است. همچنین به دلیل ارائه پیشنهادها کاربردی، یک پژوهش کاربردی است. بنابراین می‌توان گفت این پژوهش از نوع اکتشافی-کاربردی است. پژوهش از نوع پژوهش های

طبق مبانی بیان شده و بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته مسائل متعددی در ارتباط با ارائه مدل جامع دریافت مالیات الکترونیکی جهت کاهش فرار مالیاتی مطرح می‌شود. بر این اساس برای تدوین یک مدل جامع پرسش‌های زیر مطرح شد:

۱. دریافت مالیات الکترونیکی چگونه به کاهش فرار مالیاتی کمک می‌کند؟

۲. ابعاد و شاخص‌های دریافت مالیات الکترونیکی در جهت کاهش فرار مالیاتی کدام است؟

سیستم دریافت مالیات الکترونیکی را داشته باشند بودند. که با استفاده از روش گلوله برفی تعداد ۱۵ خبره برای پاسخ به مصاحبه‌ها انتخاب شدند. در روش گلوله برفی خبره بعدی از طریق خبره قبلی در نمونه معرفی می‌شوند و نمونه مانند یک گلوله‌ی برفی بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود.

اکتشافی مسئله‌ای را مورد توجه قرار می‌دهد که تا پیش از این به این شکل و در این سطح به آن پرداخته نشده بود. برای این مقصود از رویکرد ترکیبی (آمیخته) استفاده شد که هدف آن ترکیب روش‌های پژوهش کیفی و کمی برای دستیابی به روشی مناسب به منظور رسیدن به اهداف پژوهش است. شکل ۱ نمودار روش‌شناسی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آمار توصیفی خبرگان

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۱۳	۸۶
زن	۲	۱۴
جمع	۱۵	۱۰۰
سن	فراوانی	درصد فراوانی
۳۶ تا ۴۵ سال	۸	۵۳
۴۶ تا ۵۵ سال	۴	۲۷
بالتر از ۵۵ سال	۳	۲۰
جمع	۱۵	۱۰۰
سطح تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
فوق لیسانس	۱۰	۶۶
دکتری	۵	۳۴
جمع	۱۵	۱۰۰
سابقه شغلی	فراوانی	درصد فراوانی
۱۱ تا ۱۵ سال	۵	۳۴
۱۶ تا ۲۰ سال	۵	۳۳
۲۱ تا ۲۵ سال	۵	۳۳
جمع	۱۵	۱۰۰

مدل‌سازی ساختاری تفسیری روشی برای تحلیل تأثیر عناصر بر یکدیگر، بررسی ترتیب و جهت روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم و ابزاری در راستای غلبه بر پیچیدگی بین عناصر است. در سال ۱۹۷۷ سیج، مدل‌سازی ساختاری تفسیری را ارائه کرد. در حقیقت ابعاد و شاخص‌های دریافت مالیات الکترونیکی در جهت کاهش فرار مالیاتی از طریق واکاوی در موضوع شناسایی و برای تفسیر روابط بین ابعاد و شاخص‌های آن از مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) که روشی برجسته در تحلیل روابط فی مابین ابعاد و شاخص‌ها است، استفاده شد. انجام سه گام در جهت اجرای روش ساختاری تفسیری در این مطالعه به قرار زیر ضروری است:

گام اول: شناسایی ابعاد و شاخص‌های دریافت مالیات الکترونیکی در جهت کاهش فرار مالیاتی؛



شکل ۱. نوع روش پژوهش

در پژوهش حاضر از استراتژی تجربی و پیمایشی برای تحلیل داده‌ها و رسیدن به نتایج پژوهش استفاده شد. پژوهشگر در این پژوهش از حیث توسل به کمی‌سازی رفتار پدیده مورد نظر، می‌تواند هر یک از روش‌های کمی، کیفی یا ترکیبی را اتخاذ نماید. در پژوهش کنونی از روش پژوهش ترکیبی (کیفی و کمی) استفاده شد. پژوهشگر بسته به اینکه در لایه‌های بالاتر پژوهش از چه رویکرد، استراتژی و روشی را به کار گرفته باشد از شیوه‌های مختلفی برای گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش استفاده می‌کند. مصاحبه، مشاهده، پرسش‌نامه و ... از جمله شیوه‌هایی است که برای گردآوری داده‌ها ممکن است مورد استفاده قرار گیرد. البته در برخی از پژوهش‌ها ممکن است به طور همزمان از چند شیوه برای گردآوری داده‌ها استفاده شود. در این پژوهش پژوهشگر با استفاده از ابزارهای کیفی مانند مصاحبه نیمه ساختار یافته به گردآوری داده‌های مورد نیاز و مفید پرداخت. با توجه به روش مورد استفاد تحلیل داده‌ها بر اساس مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) به دست آمده از مصاحبه‌ها انجام شد. مصاحبه تا آنجایی ادامه یافت که پژوهشگر قانع شد که در راستای پژوهش مطالب جدید مطرح نخواهد شد و پژوهش به اشباع نظری رسید.

جامعه آماری این پژوهش کارشناسان سازمان امور مالیاتی کشور که سابقه کاری بیش از ۱۰ سال و تجربه اشتغال در

ردیف	عوامل	CVR	وضعیت
۶	استفاده از هوش مصنوعی و بیگ دیتا در محاسبات	۱	تأیید
۷	تحریم‌های مالی و معاملاتی برای متخلفین مالیاتی	۱	تأیید
۸	آموزش مالیاتی الکترونیک	۱	تأیید
۹	کاهش فرار مالیاتی	۱	تأیید

همان‌طور که در جدول ۳ مشخص است، هر ۹ عاملی که در معرض قضاوت اختیار خبرگان قرار گرفته بود، مورد توافق جمعی آنها واقع شدند.

مرحله دوم: ارائه مدل

در مرحله دوم برای ارائه مدل جامع دریافت مالیات الکترونیکی جهت کاهش فرار مالیاتی از روش از مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) استفاده شد.

گام اول: شناسایی عوامل

نحوه انتخاب عوامل در مرحله اول تشریح شد.

گام دوم: تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری

پس از تعیین عوامل، پرسشنامه ISM طراحی شده و خبرگان این عوامل را به صورت زوجی مورد بررسی قرار داده و با استفاده از نمادهای زیر به تعیین روابط میان آنها پرداخته‌اند: V: اگر عامل i بر عامل j تأثیرگذار باشد؛ A: اگر عامل j بر عامل i تأثیرگذار باشد؛ X: تأثیر متقابل عوامل i و j؛ O: در صورت عدم وجود ارتباط بین عوامل i و j. اطلاعات حاصله بر اساس مدل‌سازی ساختاری تفسیری جمع‌بندی شده و ماتریس خود تعاملی ساختاری از ابعاد و عوامل پژوهش و مقایسه آنها با استفاده از چهار حالت روابط مفهومی تشکیل شده است. منطق مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) بر مبنای مد در فراوانی‌ها عمل می‌کند. نتایج حاصل از تلفیق نظرات خبرگان در مورد عوامل مورد بررسی در قالب جدول ۴ آورده شده است.

گام دوم: تعیین روابط بین ابعاد و شاخص‌های مدل دریافت مالیات الکترونیکی در جهت کاهش فرار مالیاتی با استفاده از ISM؛

گام سوم: ترسیم شبکه تعاملات ابعاد و شاخص‌های دریافت مالیات الکترونیکی در جهت کاهش فرار مالیاتی با استفاده از داده‌های به دست آمده از مدل ISM (خنثی‌گر و مسلمی، ۱۳۹۶).

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) استفاده شده است که در ادامه به صورت گام‌به‌گام تشریح می‌شود. این پژوهش در دو مرحله انجام شد.

مرحله اول: شناسایی مهمترین عوامل

از طریق مصاحبه ۸ عامل شناسایی شد. همچنین کاهش فرار مالیاتی به عنوان عامل وابسته وارد تحلیل شد و در قالب پرسشنامه‌ای در اختیار خبرگان قرار گرفت. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها با استفاده از شاخص CVR برای تحلیل پرسشنامه‌ها استفاده شد. جدول ۳ مقدار CVR هر یک از عوامل اصلی و وضعیت به کارگیری یا عدم به کارگیری آنها در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳. مقدار شاخص CVR عوامل

ردیف	عوامل	CVR	وضعیت
۱	شبکه اختصاصی دریافت و پرداخت مالیات	۱	تأیید
۲	اتصال و ارتباط به سیستم اداری و اجرایی کشور	۱	تأیید
۳	یکپارچه‌سازی سیستم‌های مالی و بانکی در کل کشور	۱	تأیید
۴	تشخیص هوشمند درآمد مشمول مالیات افراد حقیقی و حقوقی	۱	تأیید
۵	ایجاد شفافیت با ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی جامع	۱	تأیید

جدول ۴. ماتریس خود تعاملی ساختاری

ردیف	عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	شبکه اختصاصی دریافت و پرداخت مالیات		X	X	V	V	V	V	V	V
۲	اتصال و ارتباط به سیستم اداری و اجرایی کشور			X	V	V	V	V	V	V
۳	یکپارچه‌سازی سیستم‌های مالی و بانکی در کل کشور				V	V	V	V	V	V
۴	تشخیص هوشمند درآمد مشمول مالیات افراد حقیقی و حقوقی						X	X	V	V

ردیف	عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۵	ایجاد شفافیت با ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی جامع						X	V	V	V
۶	استفاده از هوش مصنوعی و بیگ دیتا در محاسبات							V	V	V
۷	تحریم‌های مالی و معاملاتی برای متخلفین مالیاتی								X	V
۸	آموزش مالیاتی الکترونیک									V
۹	کاهش فرار مالیاتی									

گام سوم: تشکیل ماتریس دسترسی اولیه

ماتریس دسترسی اولیه از تبدیل ماتریس خود تعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی (صفر و یک) حاصل می‌شود. به‌منظور جایگزینی اعداد صفر و یک بجای نمادهای چهارگانه جدول ۲، برای استخراج ماتریس دسترسی اولیه، قوانین زیر مورد استفاده قرار می‌گیرند. اگر ورودی (i, j) در ماتریس خودتعاملی ساختاری نماد V باشد، در ماتریس دسترسی اولیه (i, j) عدد یک و ورودی (j, i) عدد صفر خواهد

بود. اگر ورودی (i, j) در ماتریس خودتعاملی ساختاری نماد A باشد، در ماتریس دسترسی اولیه (i, j) عدد صفر و ورودی (j, i) عدد یک خواهد بود. اگر ورودی (i, j) عدد یک و ورودی (j, i) عدد صفر باشد، در ماتریس خودتعاملی ساختاری نماد X باشد، در ماتریس دسترسی اولیه (i, j) در ماتریس خودتعاملی ساختاری نماد O باشد، در ماتریس دسترسی اولیه (i, j) عدد صفر و ورودی (j, i) عدد صفر خواهد بود. جدول ۵ ماتریس دسترسی اولیه را نشان می‌دهند.

جدول ۵. ماتریس دسترسی اولیه

ردیف	عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	شبکه اختصاصی دریافت و پرداخت مالیات	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	اتصال و ارتباط به سیستم اداری و اجرایی کشور	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	یکپارچه‌سازی سیستم‌های مالی و بانکی در کل کشور	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	تشخیص هوشمند درآمد مشمول مالیات افراد حقیقی و حقوقی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	ایجاد شفافیت با ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی جامع	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	استفاده از هوش مصنوعی و بیگ دیتا در محاسبات	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	تحریم‌های مالی و معاملاتی برای متخلفین مالیاتی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱
۸	آموزش مالیاتی الکترونیک	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱
۹	کاهش فرار مالیاتی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱

گام چهارم: ایجاد ماتریس دسترسی نهایی

پس از آنکه ماتریس دسترسی اولیه به دست آمد، روابط ثانویه بین عوامل کنترل می‌شود. رابطه ثانویه به صورتی است که اگر عامل i منجر به عامل j شود و هم‌چنین عامل j منجر به عامل k شود، آنگاه عامل i نیز منجر به عامل k خواهد شد. اگر در ماتریس دسترسی اولیه این حالت برقرار نبود، باید ماتریس اصلاح شده و روابطی که از قلم‌افزاده جایگزین شود، به این عمل در اصطلاح سازگار کردن

ماتریس دسترسی اولیه گفته می‌شود. در این گام، کلیه روابط ثانویه بین عوامل، بررسی شد اما رابطه ثانویه‌ای شناسایی نشد. در این ماتریس‌ها قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر عامل نیز نشان داده شده است. قدرت نفوذ یک عامل از جمع تعداد عوامل متأثر از آن و خود عامل به دست می‌آید و میزان وابستگی یک عامل نیز از جمع عواملی که از آن تأثیر می‌پذیرد و خود عامل به دست می‌آید. ماتریس دسترسی نهایی در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. ماتریس دسترسی نهایی

ردیف	عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	نفوذ
۱	شبکه اختصاصی دریافت و پرداخت مالیات	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹
۲	اتصال و ارتباط به سیستم اداری و اجرایی کشور	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹
۳	یکپارچه‌سازی سیستم‌های مالی و بانکی در کل کشور	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹
۴	تشخیص هوشمند درآمد مشمول مالیات افراد حقیقی و حقوقی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
۵	ایجاد شفافیت با ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی جامع	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
۶	استفاده از هوش مصنوعی و بیگ دیتا در محاسبات	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
۷	تحریم‌های مالی و معاملاتی برای متخلفین مالیاتی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۳
۸	آموزش مالیاتی الکترونیک	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۳
۹	کاهش فرار مالیاتی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱
	وابستگی	۳	۳	۳	۶	۶	۶	۶	۸	۸	-

عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
۸	۷،۸،۹	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸	۷،۸	۱
۹	۹	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹	۹	۱

بنابراین عامل شماره ۹ در سطح اول قرار می‌گیرد و برای ادامه سطح‌بندی از جدول فوق حذف می‌شود. سایر مراحل سطح‌بندی به‌طور خلاصه در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸. سطح‌بندی (۲)

تکرار	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
دوم	۷	۷،۸	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸	۷،۸	۲
	۸	۷،۸	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸	۷،۸	۲
سوم	۴	۴،۵،۶	۱،۲،۳،۴،۵،۶	۴،۵،۶	۳
	۵	۴،۵،۶	۱،۲،۳،۴،۵،۶	۴،۵،۶	۳
	۶	۴،۵،۶	۱،۲،۳،۴،۵،۶	۴،۵،۶	۳
چهارم	۱	۱،۲،۳	۱،۲،۳	۱،۲،۳	۴
	۲	۱،۲،۳	۱،۲،۳	۱،۲،۳	۴
	۳	۱،۲،۳	۱،۲،۳	۱،۲،۳	۴

در نهایت عوامل ۱، ۲ و ۳ در سطح چهارم قرار گرفتند و سطح‌بندی به پایان رسید.

گام ششم: ترسیم مدل نهایی

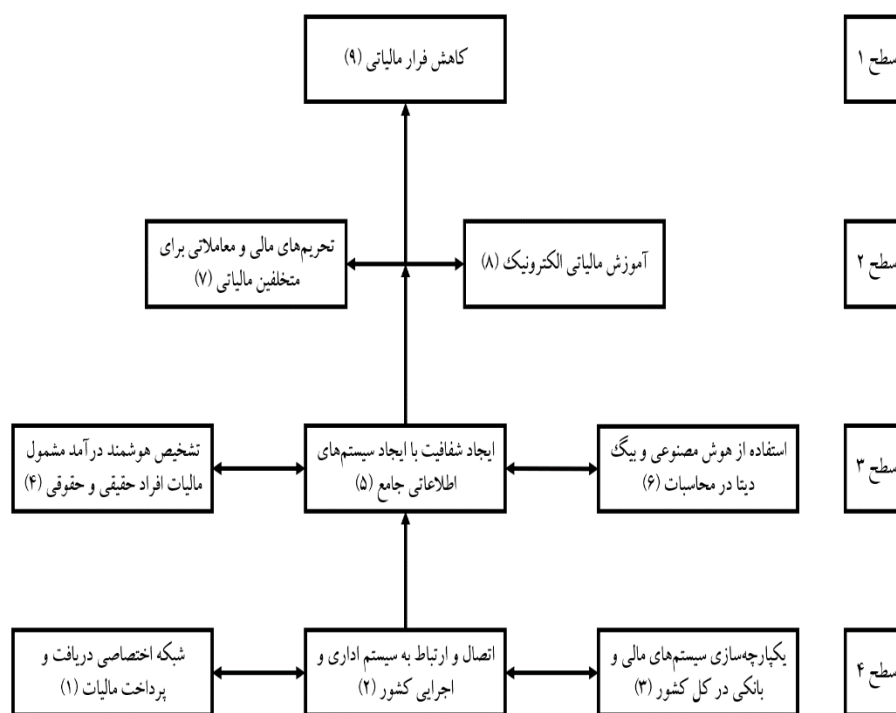
در این مرحله با توجه به سطوح عوامل و ماتریس دسترسی نهایی یک مدل اولیه رسم می‌شود و با حذف انتقال‌پذیری‌ها در مدل اولیه، مدل نهایی به‌دست می‌آید. بنابراین مدل نهایی ISM به‌صورت شکل ۱ خواهد بود.

گام پنجم: تعیین روابط و سطح‌بندی عوامل

در این گام، با استفاده از ماتریس دسترسی، پس از تعیین مجموعه‌های ورودی و خروجی، اشتراک این مجموعه‌ها برای هر یک از عوامل به‌دست می‌آید. مجموعه خروجی یک عامل شامل خود آن عامل و عواملی است که بر آنها اثر می‌گذارد که با "۱" های موجود در سطر مربوطه قابل‌شناسایی است. مجموعه ورودی یک عامل شامل خود آن عامل و عواملی است که از آنها اثر می‌پذیرد که با "۱" های موجود در ستون مربوطه قابل‌شناسایی است. پس از تعیین مجموعه‌های ورودی و خروجی، اشتراک آنها برای هر یک از عوامل تعیین می‌شود. عواملی که مجموعه خروجی و مشترک آنها کاملاً مشابه باشند، در بالاترین سطح از سلسله‌مراتب مدل ساختاری تفسیری قرار می‌گیرند. به‌منظور یافتن اجزای تشکیل‌دهنده سطح بعدی سیستم، اجزای بالاترین سطح آن در محاسبات ریاضی جدول مربوط حذف می‌شوند و عملیات مربوط به تعیین اجزای سطح بعدی مانند روش تعیین اجزای بالاترین سطح انجام می‌شود. این عملیات تا آنجا تکرار می‌شود که اجزای تشکیل‌دهنده کلیه سطوح سیستم مشخص شوند. جدول ۷ ماتریس سطح‌بندی را نشان می‌دهند.

جدول ۷. سطح‌بندی (۱)

عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
۱	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹	۱،۲،۳	۱،۲،۳	۱
۲	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹	۱،۲،۳	۱،۲،۳	۲
۳	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹	۱،۲،۳	۱،۲،۳	۳
۴	۴،۵،۶،۷،۸،۹	۱،۲،۳،۴،۵،۶	۴،۵،۶	۴
۵	۴،۵،۶،۷،۸،۹	۱،۲،۳،۴،۵،۶	۴،۵،۶	۵
۶	۴،۵،۶،۷،۸،۹	۱،۲،۳،۴،۵،۶	۴،۵،۶	۶
۷	۷،۸،۹	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸	۷،۸	۷



شکل ۲. مدل نهایی ISM

می‌گذارند. بنابراین عوامل سطح آخر، تأثیرگذارترین عوامل در این پژوهش هستند.

گام هفتم: تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی (نمودار MICMAC) برای تعیین مختصات هر یک از عوامل در ماتریس MICMAC باید از قدرت نفوذ و میزان وابستگی آن عامل استفاده شود. این مقادیر از ماتریس دسترسی نهایی به دست می‌آید (جدول ۶). شکل ۳، ماتریس MICMAC را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در شکل ۱ مشخص است عامل ۹ در سطح اول قرار گرفته است و این بدان معناست که این عامل تأثیرپذیرترین عامل می‌باشد. در سطح دوم عوامل ۷ و ۸ قرار گرفته‌اند که بر عامل سطح اول اثر می‌گذارند و از عوامل سطح پایین‌تر اثر می‌پذیرند. در سطح سوم عوامل ۴، ۵ و ۶ قرار گرفته‌اند که بر عوامل سطوح بالاتر اثر می‌گذارند و از عوامل سطح پایین‌تر اثر می‌پذیرند. در سطح چهارم (آخرین سطح) عوامل ۱، ۲ و ۳ قرار گرفته‌اند که بر عوامل سطوح بالاتر اثر

زیاد	۹	۱، ۲، ۳								
	۸									
	۷									
	۶					۴، ۵، ۶				
قدرت نفوذ	۵		نفوذ	پیوندی						
	۴		خودمختار	وابسته						
	۳						۷، ۸			
	۲									
	۱								۹	
کم	مبدأ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
		میزان وابستگی								زیاد

شکل ۳. ماتریس MICMAC

هوشمند درآمد مشمول مالیات افراد حقیقی و حقوقی، ایجاد شفافیت با ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی جامع و استفاده از هوش مصنوعی و بیگ دیتا در محاسبات نیز در ناحیه پیوندی قرار دارند و نقش کلیدی در ارتباط بین متغیرهای ناحیه نفوذ و ناحیه وابسته ایفا می‌کنند. در اینجا فرآیند ارائه مدل جامع دریافت مالیات الکترونیکی جهت کاهش فرار مالیاتی با رویکرد ISM به پایان رسید. در مدل ارائه شده عامل کاهش فرار مالیاتی در سطح اول قرار گرفته است و این بدان معناست که این عامل تأثیرپذیرترین عامل می‌باشد. در سطح دوم عوامل تحریم‌های مالی و معاملاتی برای متخلفین مالیاتی و آموزش مالیاتی الکترونیک قرار گرفته‌اند که بر عامل سطح اول اثر می‌گذارند و از عوامل سطح پایین‌تر اثر می‌پذیرند. در سطح سوم عوامل تشخیص هوشمند درآمد مشمول مالیات افراد حقیقی و حقوقی، ایجاد شفافیت با ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی جامع و استفاده از هوش مصنوعی و بیگ دیتا در محاسبات قرار گرفته‌اند که بر عوامل سطوح بالاتر اثر می‌گذارند و از عوامل سطح پایین‌تر اثر می‌پذیرند. در سطح چهارم (آخرین سطح) عوامل شبکه اختصاصی دریافت و پرداخت مالیات، اتصال و ارتباط به سیستم اداری و اجرایی کشور و یکپارچه‌سازی سیستم‌های مالی و بانکی در کل کشور قرار گرفته‌اند که بر عوامل سطوح بالاتر اثر می‌گذارند. بنابراین عوامل سطح آخر، تأثیرگذارترین عوامل در این پژوهش هستند. تحریم‌های مالی و معاملاتی برای متخلفین مالیاتی و آموزش مالیاتی الکترونیک می‌تواند به شدت تأثیرگذار در کاهش فرار مالیاتی در سیستم مالیاتی باشد. این اقدامات می‌توانند به صورت مستقیم و غیرمستقیم منجر به افزایش اطلاعات و افزایش انضباط مالیاتی در جامعه شوند. اعمال تحریم‌های مالی و معاملاتی برای متخلفین مالیاتی، از جمله جریمه‌ها، پرداخت جرائم مالیاتی و حتی محرومیت از شرکت در فعالیت‌های تجاری، می‌تواند افراد را از انجام فعالیت‌های فرار مالیاتی منصرف کند. تسهیل و ترویج استفاده از سامانه‌های الکترونیکی برای ارسال اظهارنامه‌های مالیاتی و پرداخت مالیات، می‌تواند بهبود دسترسی به اطلاعات و کاهش خطاها در اظهارنامه‌های مالیاتی را فراهم کند. توسعه شبکه اختصاصی برای دریافت و پرداخت مالیات، اتصال و ارتباط به سیستم اداری و اجرایی کشور، و یکپارچه‌سازی سیستم‌های مالی و بانکی در کل کشور می‌تواند به شدت به کاهش فرار مالیاتی در سیستم

همان‌طور که در ماتریس MICMAC (شکل ۲) مشخص است عوامل ۷، ۸ و ۹ در ناحیه وابسته قرار دارند و این یعنی از قدرت نفوذ کم ولی میزان وابستگی زیاد نسبت به دیگر عوامل برخوردار هستند. عوامل ۱، ۲ و ۳ در ناحیه نفوذ قرار دارند. این عوامل از قدرت نفوذ بالا با حداقل وابستگی برخوردارند. عوامل ۴، ۵ و ۶ نیز در ناحیه پیوندی قرار دارند و نقش کلیدی در ارتباط بین متغیرهای ناحیه نفوذ و ناحیه وابسته ایفا می‌کنند. در اینجا فرآیند ارائه مدل جامع دریافت مالیات الکترونیکی جهت کاهش فرار مالیاتی با مدل ISM به پایان رسید.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نوآوری در ارائه مدل جامع برای دریافت مالیات الکترونیکی به منظور کاهش فرار مالیاتی، می‌تواند شامل موارد زیر شود: استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، تحلیل داده‌ها و بیگ دیتا برای ایجاد سیستم‌های مالیات الکترونیکی هوشمند و قابل اعتماد. ارائه یک سیستم شفاف و قابل اعتماد که به شرکت‌ها و افراد اطلاعات دقیق در مورد مالیات‌های خود را فراهم کند و به آن‌ها کمک کند تا به راحتی با قوانین مالیاتی انطباق داشته باشند. تبادل اطلاعات مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی از طریق استفاده از توافقات ملی و استانداردهای جهانی. برگزاری برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی جامع برای شرکت‌ها و افراد در مورد اهمیت پرداخت مالیات، عواقب فرار مالیاتی و روش‌های جلوگیری از آن. ارائه یک سیستم مالیات الکترونیکی که قابل تنظیم و بهبود پذیر باشد و با تغییرات در فضای مالیات الکترونیکی همگام شود. با توجه به این نکات، نوآوری در ارائه مدل جامع دریافت مالیات الکترونیکی می‌تواند به کاهش فرار مالیاتی و بهبود عملکرد سامانه مالیاتی کشور کمک کند. در این پژوهش سطح‌بندی بر اساس مدل‌سازی ساختاری تفسیری نشان داد که عوامل تحریم‌های مالی و معاملاتی برای متخلفین مالیاتی، آموزش مالیاتی الکترونیک و کاهش فرار مالیاتی در ناحیه وابسته قرار دارند و این یعنی از قدرت نفوذ کم ولی میزان وابستگی زیاد نسبت به دیگر عوامل برخوردار هستند. عوامل شبکه اختصاصی دریافت و پرداخت مالیات، اتصال و ارتباط به سیستم اداری و اجرایی کشور و یکپارچه‌سازی سیستم‌های مالی و بانکی در کل کشور در ناحیه نفوذ قرار دارند. این عوامل از قدرت نفوذ بالا با حداقل وابستگی برخوردارند. عوامل تشخیص

ویدئوها، پلتفرم‌های آموزش آنلاین، نرم‌افزارهای آموزشی و ... باشد. برقراری همکاری بین دولت و بخش خصوصی به منظور تبادل اطلاعات مالیاتی و اجرای تحریم‌های لازم برای متخلفین مالیاتی، می‌تواند به کاهش فرار مالیاتی کمک کند. یک پیشنهاد کاربردی برای کاهش فرار مالیاتی از طریق استفاده از شبکه اختصاصی دریافت و پرداخت مالیات، اتصال به سیستم اداری و اجرایی کشور و یکپارچه‌سازی سیستم‌های مالی و بانکی می‌تواند شامل ایجاد شبکه اختصاصی دریافت و پرداخت مالیات است. ایجاد یک شبکه اختصاصی برای دریافت و پرداخت مالیات، که اطلاعات مالیاتی همه افراد و شرکت‌ها را در بر بگیرد، می‌تواند بهبود قابل توجهی در جمع‌آوری و پردازش داده‌های مالیاتی داشته باشد. این شبکه می‌تواند به دولت کمک کند تا به صورت دقیق تر و سریع‌تر اطلاعات مالیاتی را تجمع کند و اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مالیاتی انجام دهد. اتصال سیستم دریافت و پرداخت مالیات به سیستم اداری و اجرایی کشور، مانند سازمان امور مالیاتی، دفتر خزانه، دادگستری و ...، می‌تواند بهبود قابل توجهی در تبادل اطلاعات و همکاری بین این سازمان‌ها داشته باشد. این اتصال به کاهش تداخل‌های اطلاعاتی، بهبود پاسخگویی و کارایی در اجرای قوانین مالیاتی کمک خواهد کرد. یکپارچه‌سازی سیستم‌های مالی و بانکی با ساماندهی داده‌های مالیاتی، معاملات بانکی و ...، می‌تواند به دولت کمک کند تا الگوهای فرار مالیاتی را شناسایی کند و اقدامات لازم را برای جلوگیری از آن‌ها انجام دهد. به ادارات مالیاتی پیشنهاد می‌گردد با ایجاد یک سیستم اطلاعاتی جامع که اطلاعات مالی و مالیاتی افراد حقیقی و حقوقی را در بر بگیرد، می‌تواند به دولت کمک کند تا به صورت دقیق‌تر و سریع‌تر اطلاعات مالیاتی را تجمع کند. این سیستم می‌تواند به تحلیل الگوهای مالی و شناسایی موارد فرار مالیاتی کمک کند. استفاده از تکنولوژی هوش مصنوعی و بیگ دیتا در تحلیل داده‌های مالی و مالیاتی، می‌تواند به دولت کمک کند تا الگوهای فرار مالیاتی را شناسایی کند و بهبود در پردازش اطلاعات مالیاتی داشته باشد. هوش مصنوعی می‌تواند به صورت خودکار الگوهای فرار مالیاتی را شناسایی کرده و به دولت اطلاع دهد. افزایش شفافیت در فرآیندهای مالیاتی و استفاده از فناوری برای ارائه اطلاعات به شکل قابل فهم و قابل دسترس برای افراد، می‌تواند به کاهش فرار مالیاتی کمک کند. اطلاع‌رسانی به مردم درباره

مالیاتی کمک کند. با اتصال سیستم‌های مالی و بانکی به یکپارچه‌سازی، اطلاعات مالیاتی افراد و شرکت‌ها به صورت شفاف‌تر قابل دسترسی خواهد بود. این امکان به مسئولان مالیاتی فراهم می‌آید تا فعالیت‌های مالیاتی را بهبود بخشند و فرار مالیاتی را کاهش دهند. با استفاده از شبکه اختصاصی و یکپارچه‌سازی سیستم‌ها، خطاهای انسانی در اظهارنامه‌های مالیاتی کاهش خواهد یافت. این باعث دقت بیشتر در پرداخت مالیات و جلوگیری از فرار مالیاتی خواهد شد. با اتصال به سیستم‌های اداری و اجرایی کشور، نظارت بر فعالیت‌های مالیاتی بهبود یافته و الگوهای فرار مالیاتی به راحتی تشخیص داده خواهند شد. با توجه به این نکات، توسعه شبکه اختصاصی و یکپارچه‌سازی سیستم‌های مالی و بانکی می‌تواند بهبود چشمگیری در کاهش فرار مالیاتی و بهبود عملکرد سیستم مالیاتی داشته باشد. استفاده از تشخیص هوشمند درآمد مشمول مالیات افراد حقیقی و حقوقی به وسیله هوش مصنوعی و بیگ دیتا می‌تواند به شدت به کاهش فرار مالیاتی در سیستم مالیاتی کمک کند. با استفاده از هوش مصنوعی و بیگ دیتا، می‌توان الگوریتم‌های پیشرفته‌ای برای تشخیص و تحلیل الگوهای درآمد مشمول مالیات افراد و شرکت‌ها توسعه داد. این الگوریتم‌ها می‌توانند به صورت خودکار اطلاعات مالی را بررسی کرده و نقاط ضعف و نقاط قوت را شناسایی کنند، که این امر به کاهش فرار مالیاتی کمک می‌کند. با ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی جامع و استفاده از هوش مصنوعی و بیگ دیتا، اطلاعات مالی و درآمد افراد به صورت شفاف‌تر قابل دسترسی خواهد بود. این امکان به مسئولان مالیاتی فراهم می‌آید تا الگوهای فرار مالیاتی را شناسایی کرده و برخوردهای لازم را انجام دهند.

پیشنهاد کاربردی به ادارات مالیاتی این است که با اجرای تحریم‌های مالی و معاملاتی برای افراد یا شرکت‌هایی که فرار مالیاتی انجام داده‌اند، می‌تواند به عنوان یک ابزار قدرتمند برای جلوگیری از فرار مالیاتی و ترغیب به پرداخت صحیح مالیات عمل کند. این تحریم‌ها ممکن است شامل تعلیق حساب‌های بانکی، تعلیق مجوزهای تجاری، تحریم‌های مالی و اقتصادی و ... باشد. ارائه آموزش‌های مالیاتی الکترونیک به افراد و شرکت‌ها می‌تواند بهبود چشمگیری در شفافیت و اطلاعات دقیق در مورد الزامات مالیاتی فراهم کند. این آموزش‌ها ممکن است شامل

مقایسه نتایج بود. به پژوهشگران پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی به ارائه مدل جامع دریافت مالیات الکترونیکی جهت کاهش فرار مالیاتی با رویکرد داده بنیاد بپردازند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از تکنیک‌های تحلیل عاملی DEMATEL فازی AHP و ANP فازی برای یافتن عوامل مؤثر بر دریافت مالیات الکترونیکی جهت کاهش فرار مالیاتی استفاده شود.

قوانین و روش‌های محاسبه مالیات، می‌تواند به آگاهی آن‌ها درباره وظایف مالیاتی خود کمک کند. در مصاحبه‌ها، دور شدن پاسخ دهندگان از مفهوم اصلی پرسش‌ها و پاسخ‌های جانبدارانه توسط مخاطب از جمله محدودیت‌هایی است که می‌توان بیان کرد. عدم قبول بسیاری از خبرگان برای شرکت در مصاحبه یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش بود. یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر عدم وجود تحقیقات مشابه برای

References

- Alm, J. (2021). Tax evasion, technology, and inequality. *Economics of Governance*, 22(4), 321-343.
- Alm, J. and and Torgler, B. (2011). Do ethics matter? Tax compliance and morality. *Journal of Business Ethics*, 101(4), 635–651.
- Atayah, O. F; & Alshater, M. M. (2021). Audit and tax in the context of emerging technologies: A retrospective analysis, current trends, and future opportunities. *The International Journal of Digital Accounting Research*, 21, 95–128.
- Atwood, T.J; Drake, M.S; Myers, J.N. and Myers, L.A. (2012). Home country tax system characteristics and corporate tax avoidance: International evidence. *The Accounting Review*, 87(6), 1831–1860.
- Bame-Aldred, C.W; Cullen, J.B; Martin, K.D. and Parboteeah, K.P. (2013). National culture and firm-level tax evasion. *Journal of Business Research*, 66(3), 390–396.
- Benkraiem, R; Uyar, A; Kilic, M. and Schneider, F. (2021). Thical behavior, auditing strength, and tax evasion: A worldwide perspective. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 43, 1-14.
- Bolouri A; Moradi, M; Yazdani, H. (2020), Design a Tax Evasion Model Based on Income Tax: Grounded Theory Approach, *Governmenta Accounting*, 13 (1), 9-30.
- Bounabat, B. (2017). From e-government to digital government: stakes and evolution models. *Electron. J. Inf. Technol*, 10, 8–21.
- Cantabene, C. and Grassi, I. (2019). Public and private incentives to R&D cooperation in Italy. *Econ. Innov. New Technol*, 28 (3), 217–242.
- Culiberg, B. and Bajde, D. (2014). Do you need a receipt? Exploring consumer participation in consumption tax evasion as an ethical dilemma. *Journal of Business Ethics*, 124(2), 271–282.
- El-Manaseer, S. A; Al-Kayid, J. H; Al Khawatreh, A. M; & Shamim, M. (2023). The Impact of Digital Transformation on Combating Tax Evasion (Electronic Billing System as a Model). In *Artificial Intelligence (AI) and Finance* (pp. 679-690). Cham: Springer Nature Switzerland.
- Fathi, F; Namamian, F; Baghfalaki, A; Hasani, S.R; (2023). Identifiying, integration, weighting and Conceptual model presentation the Components Affecting e-taxation by Meta-synthesis-Shannon Entropy Method, *Advertising and Sales Management Journal*, 316-333.
- Finley, A.R; Lusch, S.J. and Cook, K.A. (2014). The effectiveness of the R&D tax credit: evidence from the alternative simplified credit. *J. Am. Tax. Assoc*, 37 (1), 157–181.
- Gaaya, S; Lakhali, N. and Lakhali, F. (2017). Does family ownership reduce corporate tax avoidance? The moderating effect of audit quality. *Managerial Auditing Journal*, 32(7), 731–744.
- Hadian, E; and Tahvili, A. (2013). Tax Evasion and Its Determinants in the Iranian Economy (1971-2007). *JPBUD*. 18(2), 39-58. (In Persian).
- Heinemann, M; and Stiller, W. (2024). Digitalization and cross-border tax fraud: evidence from e-invoicing in Italy. *International Tax and Public Finance*, 1-43.
- Khlif, H. and Achek, I. (2015). The determinants of tax evasion: A literature review. *International Journal of Law and Management*, 57(5), 486–497.
- Laplante, S.K; Skaife, H.A. and Swenson, L.A; Wangerin, D.D. (2019). Limits of tax regulation: Evidence from strategic R&D classification and the R&D tax credit. *J. Account. Public Policy*, 38 (2), 89–105.

- Khanifar, H. and Moslemi, N. (2017). Principles and basics of qualitative research methods. Tehran: Negha Danesh. (In Persian).
- Kitsios, E; Jalles, J. T; & Verdier, G. (2022). Tax evasion from cross-border fraud: Does digitalization make a difference? *Applied Economics Letters*, 1–7.
- Sameti, M; Izadi, A; and Fathi, S. (2021). Determining Effective Factors on Tax Evasion using the Method of Meta-Analysis Abstract. *Stable Economy Journal*, 2(2), 1-22. (In Persian).
- Masoumi, S; and Yousefi, M. (2014). Investigating the impact of the implementation of the electronic tax system in the tax affairs organization on the process of providing tax services to taxpayers (case study: Finance Administration of Golestan province) First International Conference on Economics, Management, Accounting and Social Sciences.Rasht.<https://civilica.com/doc/301619>. (In Persian).
- Moosavi, R; Aghaei Chadegani, A; Kamali, E; (2023). Designing a model for using big data in the field of taxation of natural persons in order to prevent tax evasion. *Governmental Accounting Journal*, 10(1), 207-224.
- Siglé, M; Goslinga, S; Speklé, R; Van der Hel, L; & Veldhuizen, R. (2018). Corporate tax compliance: Is a change towards trust-based tax strategies justified? *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 32, 3–16.
- Slemord, J. (2007). Cheating ourselves: The economics of tax evasion. *Journal of Economic Perspectives*, 21(1), 25 -48.
- Sung, M.J; Awasthi, R. and Lee, H.C. (2017). Can Tax Incentives for Electronic Payments Reduce the Shadow Economy?: Korea's Attempt to Reduce Underreporting in Retail Businesses, World Bank Policy Research Working Paper, No. 7936, SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2896512>.
- Thuneibat, N.S.M; Ali, B.J.A; Alqaraleh, M.H. and Thneibat, H. (2022). The Mediating Role of Innovation on the Relationship between Information Technologies and Reducing Tax Evasion. *Information Sciences Letters*, 11(2), 13-23.
- Uyar, A; Bani-Mustafa, A; Nimer, K. and Schneider, F. (2021a). Does innovation capacity reduce tax evasion? Moderating effect of intellectual property rights. *Technological Forecasting & Social Change*, 173, 1-13.
- Uyar, A; Nimer, K; Kuzey, C; Shahbaz, M. and Schneider, F. (2021b). Can e-government initiatives alleviate tax evasion? The moderation effect of ICT. *Technological Forecasting & Social Change*, 166, 1-14.
- Yamen, A; Coskun, A; & Mersni, H. (2023). Digitalization and tax evasion: the moderation effect of corruption. *Economic research-Ekonomska istraživanja*, 36(2).